



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انبصابت - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۴۳۱۵ ۴ شنبه ۶ تیر ماه ۱۳۳۵ سال دوازدهم

شماره مسلسل ۶
دوره نوزدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه ۲۹
خرداد ماه ۱۳۳۵
فهرست مطالب :

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- طرح برنامه دولت آقای علاه نخست وزیر
- ۶- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت و ۲۰ دقیقه پیش از ظهر بر ریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس
رئیس - صورت اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود
(بشرح زیر قرائت گردید)
غائبین با اجازه آقایان : اردلان خرازی - امامی خوئی - اورنگ - کشکولی غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر طاهری خزیمه علم - تجدد - دکتر رضائی حشمتی - هدی - دکتر امیر اصلان انشار -
رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد.

۲- طرح برنامه دولت آقای علاه نخست وزیر

رئیس - برنامه دولت مطرح است.
آقای بهبهانی
بهبهانی - قبل از اینکه وارد بحث در برنامه دولت شوم لازم میدانم که در این مکان معظم و مجلس محترم از توجه مخصوص ذات شاهانه که موجبات تسهیل و ادامه

خدمتگذاری را فراهم آورده اند حق شناسی و سیاستگذاری نمایم و امیدوارم که بتوانم همیشه خادمی صدیق و دور اندیش و موفق بادامه وظایف محوله برای مملکت باشم.

از خداوند علیم مسئلت مینماید که مسافرت قریب الوقوع همایون بسلامتی و توأم باخیر و صلاح و بخیر و سلم و صفای کامل بوده باشد (انشاءالله)

جناب آقای علاه در مقدمه برنامه دولت خرابی وضع کشور را مولود جنگ دوم جهانی و بحرانی متعاقب آن دانسته و نتیجه گرفته اند که در مدت ۵ ماه زمامداری بعلم ضیق وقت و زیاد شدن مشکلات مخصوصاً مشکلات مالی نتوانسته اند کامیابی کاملی بدست آورند و وعده داده اند که این کامیابی بتدریج و از راه تکامل صورت گیرد.

بطوریکه خاطر آقایان مستحضراست پس از سه سال که کشور ایران خود را از آشوب جنگ کنار کشید در شهریور ۳۲۰

قشون متمقین بخاک ایران حمله کرده و پس از چند ساعت حالت جنگ از بین رفت و اکنون متجاوز از ۱۵ سال از آن تاریخ و بیش از ده سال از خانه جنگ بین المللی و نزدیک بدو سال از تاریخ اخراج قوای شوروی که قسمتی از خاک کشور را اشغال کرده بودند گذشته و هنوز دولت گناه لایابالی گری و بی اعتنائی را بگردن جنگ میاندازد و فکر نمیکند که اگر دستگاه تبلیغات کشور این مقدمه را بخش کند چقدر مضحک و تأسف آور خواهد بود. کشور آلمان مدت شش سال کانون آتش و خون بود و در آنجا کمتر خانواده بود که عزادار نشده و کمتر آبادی بود که ویران نشده باشد و با اینکه هنوز هم نتوانسته و حدت خود را بدست آورد با این ترتیب در ظرف مدت کمی دولت و ملت آلمان بجای اینکه در کنار خرابه های مولود از جنگ به نشیند و زانوئی غم در بغل گیرد و بمفاخر گذشته حسرت بخورد و بحرف بپردازد با وجود اینکه مشکلات و موانع تکان خورد و قبل از اینکه گردد و غبار میدان نبرد را بشوید با عاده و اعتلای عظمت صنعتی و اقتصادی خود پرداخت و در نتیجه آلمان شکست خورده و متلاشی شده از مدتها قبل بر این کشور های بزرگ و فاتح از لحاظ اقتصادی رقیب نیرومندی محسوب گردید و امروز حتی برای نمونه اثری از ویرانی های ناشی از بمب های موحش در تمام کشورش پیدا نمیشود و خیابانها و كوچه های کشور ما پر از مصنوعات آلمان است.

همه تصدیق دارند که جنگ برای کشور مانیز ابتلائات و شهادتی ایجاد کرد ولی وضع ما با آنها که مستقیماً هدف گلوله های توپ و رگبار مسلسل و بمب و نارنجک و سایر سلاحهای مخوف و وحشتناک بودند قابل سنجش نیست و اگر برای (قیاس مع الفارق) مصداقی بخواهیم این مقایسه بهترین نمونه و مصداق آن است.

راجع بمضیقه مالی هم میگویند عده ای از کارشناسان اقتصادی اظهار نظر کرده اند

که ایران در این مدت هم ظرفیت بخارج این همه پول را ندارد.

آقای علاه پس از مقدمه فوق چند مورد از اقداماتی را که انجام داده اند متذکر شده و از سایر امور انجام شده برای احتراز از تفصیل خودداری کرده و سپس بر نامه دولت جدید را در ماده خلاصه نموده و بمجلس پیشنهاد کرده اند و اعمال آینده دولت را محدود بآن نیز نکرده و انتظار دارند علاوه از اجرای این مواد اقدامات اصلاحی دیگری هم که اطلاع نمایندگان را لازم ندیده اند انجام دهند. بنده هم مثل خود ایشان پس از ذکر مقدمه ابتدا در باره اعمالی که مدعی انجام آن هستند توضیح داده سپس بی بحث در اطراف برنامه جدید میپردازم و موجبات پیشرفت و ترقی ملل در درجه اول معلول سه اصل است:

- اول فرصت مناسب.
- دوم - حسن استفاده از فرصت.
- سوم - تسلط بر مشکلات و موانعی که بعد ایجاد میشود هر ملتی که نتوانست از این عوامل درست و بموقع استفاده کند و مشکلات را درهم شکند بخطر افتاد فرصت مناسب هم خلق الساعه نیست بلکه مولود بکرشته حوادث و اتفاقات متوالی است که در طی چندین سال پیش آمده است. در کشور ما ناکنون کرار آن فرصت مناسب بدست آمده ولی متأسفانه یا از آن استفاده نکردند و یا مشکلاتی ایجاد و قدرت تسلط بر آن نبوده و نتیجه آثار آن از میان رفته است. تجربه نشان داده که هر وقت تحولی در مملکت پیش آمده عده ای مشخص بلباس روز در آمده و با ایجاد تفرقه و کار شکنی بهره برداری از نتایج و ثمرات تحول را غیر ممکن ساخته اند

بیرون از کجا بیارم و بصورت اول تحول بدعم کار منجر شد به عرضحال دادن به دادگاه دارائی شروع بجای آمدن شد دوسه سال گرفتار این محاکمه بود بکجا رسیده اطلاع ندارم با این ترتیب جناب آقای علاء کی دلس بکار میروید که سطح کشت و زراعت را در این مملکت بالا ببرد شما مانع را برطرف بکنید من بشما قول میدهم تمام مملکت گوشا خواهند بود و بیش از آن اندازه ای که حضرت تعالی توقع دارد زراعت خواهند کرد و این مملکت درست میشود مبارزاتی که حضرت تعالی شروع کرده این بافاسد و گران فروشی و توصیه اینها منتهای ارزوی ماست ولی بعقیده من راهی را که میرویم درست نیست مبارزه باتوصیه بعقیده من گفتن در را بود و نوشتن در جراند و این قدر قضیه را بزرگ کردن احتیاج ندارد اگر شما میخواهید در ولایات ویا در دهات آن زارع و کارگر را از توصیه کردن باز بدارید اینها که بجای توصیه نمیکند ما اگر میخواهید توصیه اشخاص ذی نفوذ را از بین ببرید چرا راه دور میروید و برادر و متوسل میشود این تربیون جناب آقای علاء در اختیار شماست تشریف بیارید پشت این تربیون شما قول میدهم بکمر تمهید بیشتر این زحمت را نخواهید کشید میباید پشت این تربیون بفرمائید صادق بوشهری آمده است از من میخواهند فلان مأمور شایسته و یا کدام دولت را از فلان محل بر دارم جای او یک آدم دزد دغل و شایعی را بگذارم شما بکمر تمهید بفرمائید (این شهادت را که الحمد لله دارید با آن طرف زنگی) این مطلب را اینجا پشت تربیون بفرمائید اگر نتیجه نگر فزید ضرری هم نکرده اید و اگر نتیجه گرفتید دیگر پشت را دیو بفرمائید پشت را دیو بفرمائید چه فایده ای دارد بین عرضم اجازه بفرمائید یک جمله معترضه عرض کنم چندین پیش دیدم روزنامه اطلاعات مقاله ای راجع به همین مبارزه باتوصیه نوشته است و ضمناً بنامندگان مجلس شورای ملی نصیحت کرده است که آقایان بیایند محض رضای خدا از توصیه کردن خودداری کنید خیلی تعجب کردم گفته اند چرا ای که بغضه روا است بسجد حرام است اطلاعات و دستکاه روزنامه اطلاعات بعقیده من اگر میخواست نصیحت کند باید از همکاران نزدیک خودشان شروع کنند دستکاههای خود روزنامه اطلاعات را فز که کند بعد فرصت بنمایندگان مجلس میرسد که اگر کسی این را خواند نکویید از واعظ غیر معتد بنشیند چون قبله نما ساختن اهل قرنک است در زمان هبسی بن مردم زعمای قوم بگروم آمدند خدمت حضرت عرض کردند زنی است در فلان محله در فلان خانه این زن از جاده غفلت خارج شده است بایستی مجازات بشود حضرت فرمودند بسیار خوب آمدند بیرون و تعقیب کردند

دیدند این زن بیخود در مظان تهمت قرار گرفته روی تقصیر است هر چه سعی و کوشش کردند که این قوم را متقاعد بکنند که صرف نظر بکنند زیر بار نرفته مجبور شدند روزی را معین کردند در یکی از میدانهای شهر و مردم جمع شدند متهم را آوردند بستند بچوبی حضرت رفت بالای کرسی و فرمود مجازات او سنگسار شدن است اما اولین سنگی که بطرف این زن پرتاب میشود باید بتوسط کسی بریزد بشود که مطمئن باشد در زمان زندگی خودش قصور و تقصیری مرتکب نگردیده است همه بهم نگاه کردند و از میدان کشیدند بیرون طولی نکشید که میدان از جمعیت خالی شد حضرت عیسی ماندوزن دست زن را گرفت و فرستاد خانه حالاهم اگر بنا باشد که بنمایندگان مجلس شورای ملی توصیه بشود باید کسی توصیه بکنند که صدها توصیه هر روز از دستگاه او خارج نشود ایجاد امنیت در سراسر کشور آرزوی همه است امنیت هم هست الحمد لله جای شکرش باقی است همه جا امنیت هست ولی بعضی وقتها جناب آقای علاء یک قضایائی لای چرخ است در اندیشه یکسال قبل قتل اتفاق افتاد یک نفر از الوار با حضور روسای ادارات دولتی و بودن ژاندارم قوای انتظامی را در همان محلی که بودند داخل سلاح کرد سه نفر را همانجا با گلوله زد که یکی کشته شد و دو نفر هم مجروح شدند و سید موسی قطب کشته شد تفنگها را برداشته و زدنند بیچاک البته با او امر اکیدی که از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صادر شد و واقعاً باید از آقای وزیر کشور هم تشکر کرد و با حسن تدبیری که اداره ژاندارمری در اینجا بکار برد برای اینکه ملاحظه میفرمائید قاتلی است تفنگ در دستش فراری شده بکوه البته در مقابل قوای دولتی نمیتواند ایستد کی کند میکبرندش ولی باین آسانی نیست او را گرفتند بطوریکه خون از دماغش بیچسک جاری نشد ولی متأسفانه نزاع و اختلاف پیدا شد بین محکمه نظامی و معاکم دادگستری او گفت صلاحیت رسیدگی این قضیه با من است و دیگری گفت با من است در صورتیکه قضیه کاملاً روشن بود در منطقه ای که حکومت نظامی اعلام شده این شخص هم قوای انتظامی را خلع سلاح کرده و مرتکب قتل و زخمی کردن دو نفر شده است البته رسیدگی به این جرم با ما کم نظامی است و برور بر گردند اردولی هیچکدام از این معاکم نمیخواهند قبول کنند و رفع اختلاف کنند (دکتر بینا - جناب آقای بوشهری حق این بود که جناب عالی بعد از آقای بهبهانی مخالف دوم صحبت بفرمائید) بنده اول عرض کردم آقای دکتر بینا بنده تقبیه میکنم تقبیه کی خالی از غرض

نوشتن اینطور بود حساب کردم کدر هر کیل نان ۳ ریال این آدم کران میفرمود یعنی یک نانوای که در یک روز یک نوبت میبکند سیصد تومان از راه غیر مشروع بدست میآورد سالی میشود صد هشتاد هزار تومان وقتی من از او شکایت میکنم ۱۰۰ تومان، ۲۰۰ تومان جریمش میکنید معال و منتع است که شما با ۲۰۰ تومان جریمه را از صد هشتاد هزار تومان نفع باز بدارید شما اگر میخواهید او مرتکب صد هشتاد هزار تومان استفاده نا مشروع نشود باید اقل سیصد هزار تومان جریمش کنید، دوم نفر را فدای ملت بکنید هر کس کران فروخت پروانه کیش را از او بگیرد جری نقدی چه فایده ای دارد و چه استفاده ای دارد از اینطرف پنج تومان جریمه نقدی میدهد و از آنطرف پنجاه تومان استغفار میکند خیلی مغفرت میخواهم جناب آقای نخست وزیر بنده تمام این یاد داشته ام را که کرده ام همینطور که اول عرض کردم راجع بنقضی است که دیده ام بر مرزتان میرسانم عرض کردم فقط برای رفع این نقائص است و هیچوجه در مخالفت با حضرت مستطاب عالی نیست صد در صد مطمئن باشید ایام عید بنده با انومبیل از راه فیروز کوه رفتم بمازندران و از راه رشت بر گشتم بطهران نمیدانم اقارهاها را خوب ملاحظه فرموده اید یا خیر، در همه جای دنیا این راههایی که دارید البته اول اینطور نبوده مثل ما بودند بعد بتدریج این راهها را ایجاد کرده اند بنده خود تمام اردو را با انومبیل گردش کرده ام اگر تخصص فنی در راه سازی ندارم راههای سایر ممالک را دیده ام که چه جور راه میسازند چهار پنج کیلومتر راه را شروع بساختن میکنند وقتی این پنج کیلومتر تمام شده کیلومتر دیگر را شروع میکنند در این جانرا کتور تا رامسر ۲۰۰ کیلو متر راه را یک مرتبه بکلی زیر وزیر کرده اند آنهم شاهراه مملکت راهی که بایستی تمام مال التجارهای که باستانها بیعش بشود از این راه عبور کنند تشریف ببرید ملاحظه بکنید بینا چیست اصلاً انومبیل بنده که بر گشت دیگر انومبیل اسمش نبود آن پاره شکسته ای بود این درست نیست اختلافاتی در وزارت راه موجود است اغراض شخصی در کار است و با منافع مملکتی مخلوط کرده اند و آنوقت وضع راهها باین روز افتاده راه خرمشهر بتهران را بشرکت جان مولم مناقصه داده اند که بسازد بنده خوزستان که بودم دیدم ۲۰ کیلومتر راه را مشغول ساختن هستند از جناب آقای نجم سؤال کردم جان مولم مشغول ساختن راه شده است گفت خیر این را وزارت راه دارد میسازد آنوقت شرحی بپند فرمودند که حالا بر مرزتان میرسانم

گفتند گ من با جان مولم وارد ملما کرده شدم که تا وقتی که شروع بساختن اساسی این راه بکنید جزئی تعمیر در این راه بکنید که قابل عبور باشد بعد شروع کنید بساختن اساسی زیر بار نرفت گفت من کس تراش ساختمانی دارم تعمیر با من نیست مذاکرات زیادی با او کردم تا او را متقاعد کردم که بیاید در این ۲۰ کیلومتر راهی که وزارت راه میسازد نظارت بکنند برای این که این ۲۰ کیلومتر جزء کس تراش او است فردا که وزارت راه این راه را ساخت دو باره او بیاید و بگوید که این راه با اصول فنی ساخته نشده است و دوم تبه خراب کند و بسازد و بالاخره با مذاکرات زیاد قبول کردند که این نظارت را بکنند وزارت راه زیر بار نرفت میگفت من با جان مولم کار ندارم من این راه را میسازم جان مولم اگر آمد او هم سازد درست مثل این که وزارت راه مال مملکت دیگر است و جان مولم برای دولت دیگری کار میکنند و پول هم مربوط بگشود دیگری است چرا اینطور است؟ از وزارت راه سؤال کنید که اگر این ۲۰ کیلو متر را شما با نظارت او میساختید چه میشد الان دوسه ماه است که این جاده از زیر ساختمان در آمده است تشریف ببرید ببینید جاده ای که بطور نمونه خواستند در مقابل جان مولم نشان بدهند با انومبیل تشریف ببرید تمام موج جاده را میتوانید ببینید در دهه تیسار سیصد زاهدی بنده خاطر میاید جناب آقای حمید بختیار یک جمله ای فرمودند صحبت زیاد گشتری بود فرمودند که این کاخ دادگستری را باید روی سر قضات و کارمندان دزد او خراب کرد (دکتر دادفر - بیخود فرمودند کاخ دادگستری را که نمیشود خراب کرد)

رئیس - این درست نیست که بین الانین صحبت میفرمائید آقایانی که تازه تشریف آورده اند آئین نامه را مطالعه بفرمائید گفته اند ناچار به تذکره نوشم صادق بوشهری - البته هر کس صحبت از کارمند دزد و نادرست میکند ممکن است یک کسی هم بیاید و خدای نکرده، خدای نکرده از قضات یا کدام در این جا بخواهد تنقید بکند منتهی این جور اشخاص حمله میکنند و تنقید میکنند روی سر گوینده میگویند دادگستری ما اشخاص لایق و پاکدامن فوق العاده زیاد دارد ولی این را نمیتوانیم بگوئیم که اشخاص نادرست در دادگستری وجود ندارد خیر آنها هم هستند بعقیده من دولت جناب آقای علاء باید هشدار را مصروف این بدارند که اشخاص نادرست را بگیرند و از وزارتخانه بیرون بریزند برای اینکه آنها هم که درست هستند بطور قطع من یقین دارم که از همکاری با این نادرست ها شرم دارند افسوس آقای وزیر دادگستری اینجا تشریف ندارند یک نمونه ام از طرز قضاوت یکی از قضات میخواهم بر مرزتان میرسانم عرض کردم که چرا چنین نامه ای بشما داده شده و بهتر

سه هزار آجر مورد احتیاج بنده شد برای ساختمان، یکی از فخارها تلفن کردم سه هزار آجر بفرستد گفت ۱۰۰ تومان بفرستید اطاعت کردم شب آمدم خانه دیدم که یک کامیون آجر شکسته آورده خالی کرده چیزی که بناها با اصطلاح کلوخه میگویند تلفن کردم هر چه خواستم این آدم را متقاعد کنم نشد گفت انشاء الله دفعه دیگر که فرستادم جبران خواهم کرد گفتم من باین کلوخهها احتیاج ندارم متقاعد نشد شرحی شکایت کردم بهرداری یک نفر مهندس متخصص و یک باسبان فرستادند صورت مجلس کردند و امضاء کردند که از این سه هزار آجر فقط دویست آجر قابل استفاده است و بقیه قابل استفاده نیست یک چیزی هم در شکایت بنده نبود و آنها اضافه کردند که علاوه بر اینکه جنس قابل استفاده نیست از قبلی هم که شهرداری معین کرده این آدم گرانتر فروخته این تصدیق را بنده دادند ضمیمه شکایت کردم رفتم شهرداری تهران دادم معاون شهرداری زیرش نوشت بمحکمه که رسیدگی کند و بنده دائم در روزنامه میخواندم که هر کس شکایت کرده است شفاهی که فلان چیز را فلان کاسب گم فروخته یا گران فروخته آنرا گرفته اند جریمش کردند من گفتم سند رسمی دارم دستورشدهرداری و صورت جلسه چهار ماهه تمام جناب آقای فروهر این قضیه در محکمه امروز فرود شد بعد از چهار ماه میباید قضی محکمه چه جواب داد گفت من هر چه خودم تحقیق کردم بجای نمیبرم امروز رفتم در دادگستری با قضات هالبعام قانونی که بوسیله آن بتوانیم این آدم را تعقیب کنیم نداریم ملاحظه بفرمائید این پرونده است که من خواست بفرستید بیارند و ملاحظه بفرمائید قاضی میگویند در مملکت ما ماده ای که بتوانم گران فروش را تعقیب کنم ندارم (دکتر شاهکار - بوکیل عدلیه مراجعه کنید) گفتم جواب بنده را کتباً بدهید گفت این قضیه چون از طرف رئیس شهرداری فرستاده شده است ما با ایشان جواب میدهم آنوقت رئیس شهرداری جناب آقای ابتهاج بودند خدمت ایشان گفتم بنده شاکی هستم محکمه جواب شکایت بنده را نمیدهد شما واسطه شوید این را بگیرید بدهید بمن ایشان خندیدند گفتند بیچاره رئیس شهرداری تجربش بنده تعجب ماه قبل میخواستم بروم بمازندران احتیاج پیدا کردم بدو هزار تومان چک تضمین شده فرستادم بانک ملی که دو کتابچه که هر کدام ده چک صد تومانی تضمین شده است بنده بدهند (مهندس ظفر - جناب عالی که مخالف صحبت میفرمائید) بنده چندین دفعه توضیح دادم از رفقایان میرسد که بنده چه گفتم عرض کنم چهار پنج روز فرستادم برای گرفتن این کتابچه ندادند گفتند یا نصد

است بروید وقت خودتان را تلف نکنید بنده هم اطاعت کردم خیلی هم از ایشان تشکر کردم و دوسه ماند و این آقای فخار دارد میگردد این قاضی را میشود گفت یا کدام من از انصاف نباید گذشت تنقیدات هست ، تنقید بجا وقتی شد بایستی ترتیب اثر داد، دنبالش را گرفت این تردید ندارد، هر قانونی را که حضرت مستطاب عالی با حسن نیت بیارید در مجلس سنا و مجلس شورای ملی این قانون را میگذرانند میدهند بعضی تعالی ولی وقت میبرد در اجراء فقط موجب سوء استفاده مأمورین است و همه هم سعی میکنند که این سوء استفاده را فراهم بیارند متأسفانه یک وقتی بانک ملی ایران از حیث ترتیب و نظم نمونه ای بود در این مملکت برای سایر ادارات بنده خاطر میاید در جنگ بین المللی که قوای متفقین در ایران بودند حساب جاری قشون امریکا در بانک شاهنشاهی انگلستان بود، ابتهاج آنوقت رئیس بانک ملی بود رفت با امریکاییها مذاکره کرد که شما در ایران هستید از نعمت های این مملکت متنعم هستید، ما هر چه داریم و نداریم در اختیار شما گذاشته ایم بچه دلها شما حساب جاری خودتان را با بانک انگلستان قرار داده اید در هر صورت اقدام کرد و وسایل انتقال حساب آنها را از بانک شاهنشاهی به بانک ملی فراهم کرد این باعث شکایت بانک شاهنشاهی شد و از راه و معیاری وزارت خارجه شکایت کرد دولت انگلستان به دولت امریکا گله کرد که شما چرا این عمل را انجام دادید ما متفق شما هستیم چرا حسابتان را از بانک شاهنشاهی برداشدید و به بانک ملی داده اید آن هم بانکی که نه وضعش معلوم است و نه حسابش بانکی است جدید التأمین که مثل همه کارها بی نظم است، یک ژنرال از طرف امریکا تعیین میشد در برای رسیدگی و میباید به ایران و رسیدگی میکند وضعی را گزارش میدهد که کاملاً کار بجائی شده است دلیل ندارد ما در ایران باشیم اینقدر مردم ایران بما خوبی بکنند و از نعمتهای آنها متنعم باشیم آنوقت حساب بانکی ما در بانک شاهنشاهی باشد کار بجائی شده است متأسفانه وضعیت بانک را حالا ملاحظه بفرمائید جناب آقای وزیر دارائی خاطر نشان هست بانک ملی برای گشایش کار خودش و برای رفاه حال مردم چکهای تضمین شده انتشار داد و بسیار کار خوبی بود بنده دو ماه قبل میخواستم بروم بمازندران احتیاج پیدا کردم بدو هزار تومان چک تضمین شده فرستادم بانک ملی که دو کتابچه که هر کدام ده چک صد تومانی تضمین شده است بنده بدهند (مهندس ظفر - جناب عالی که مخالف صحبت میفرمائید) بنده چندین دفعه توضیح دادم از رفقایان میرسد که بنده چه گفتم عرض کنم چهار پنج روز فرستادم برای گرفتن این کتابچه ندادند گفتند یا نصد

تومانی و هزار تومانی اگر بخواید میدهم صد تومانی نمیدهم، بعد گفتند فلان کس چون و کیل مجلس شورای ملی است اگر کتباً بنویسد میدهم نوشتن قربانت شوم خواهش میکنم دو کتابچه صد تومانی بدهید بعد از چند روز معطلی یک کتابچه برای من فرستادند بعد معلوم شد در سالن بانک دلال هائی هستند که این صد تومانی ها را در مقابل یک چیز اضافه میدهند بنده فرستادم در سالن بانک از آن دلالها گرفتم خوب اگر نباید منتشر بشود چرا نمیدهند از بانک خوزستان بنده همین چک تضمین شده را گرفتم آوردم تهران فرستادم به بانک ملی که بگیرم گفتند که این را بایستی بدفوق بفرستیم که امضای شما را تصدیق کنند و متسل شدم به معاون بانک ملی گفتم خواهش میکنم توصیه بفرمائید که چک بنده را بپردازند خوب آقا این برای تشریح کار مردم است که این کار را کردند که کار گشایشی بر نامه برده بشود آنوقت مأمور شما این عمل را میکنند جناب آقای بهبهانی شرحی راجع بسازمان برنامه فرمودند و بشخص ابتهاج بنده تصور میکنم حمله کردن با ابتهاج خیلی از انصاف دور است برای اینکه زیاد نمیخواهم سخن را بپردازم بکشم این گنجی را که شفا بخش سیرده شده باید مطمئن باشید تا این ازدها روی این گنج خوابیده بنده و امثال بنده شب را راحت میخوابیم و قطع داریم دست کسی باین گنج نخواهد رسید خیلی مغرور میخوام من یادداشت زیاد داشتم ولی همانطوری که عرض کردم به آقا اطمینان دارم و خواهم داشت موافق صد در صد شما هم هست منتهی باید مطالب بر مرزتان برسد آقا اطلاع ندارید باید تذکره داد که اصلاحش بفرمائید

رئیس - پیشنهادی راجع به تنفس رسیده قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد) مقام ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد مینمایم یک ربع تنفس داده شود • دکتر بینا رئیس - آقای دکتر بینا ۵ کمر بینا مغرور میخوام بنده از نظر اصول پارلمانی خواهم یک تذکره بدهم همکاران محترم خودم و اگر بنده این تذکره را دادم نه برای این بود که جناب آقای بوشهری تصور بکنند که بنده از جناب آقای علاء یادوات ایشان یا وزیر ایشان ده چک صد تومانی تضمین شده است بنده بدهند (مهندس ظفر - جناب عالی که مخالف صحبت میفرمائید) بنده چندین دفعه توضیح دادم از رفقایان میرسد که بنده چه گفتم عرض کنم چهار پنج روز فرستادم برای گرفتن این کتابچه ندادند گفتند یا نصد

ملاحظه بفرمائید بنده چنین چیزی نگفتم) بنده تذکری دادم روی اصول پارلمانی و عقیده ام این است که نمایندگان محترم در گفتار و بیانشان در مجلس شورای ملی آزادی کامل دارند...
رئیس - در همین بیان شما آقای دکتر بیزار رعایت اصول پارلمانی نشده و اعظای غیر منتظر نباشید.

دکتر فیض - نفس را عرض کردم همین مقدمه نفس است ما اگر در تابلوی مخالف اسم می نویسیم برای این است که مخالف صحبت کنیم و اگر در تابلو موافق اسم می نویسیم باید در موافقت صحبت شود و اصول پارلمانی را رعایت کنیم بنده نمیدانم که بعد از آقای باید يك مخالف صحبت کند یا موافق، تادیب غنی قاعده مرحمت دوست، دانست که صد بار در دشمن بتری هست ایشان راجع شهر داری صحبت کردند... (زندگ رئیس)

رئیس - آقای صحبت خارج از موضوع نفرمائید هیچ مانعی ندارد کسی که با دولت موافق است تذکره اثر هم بدولت بدهد. آقای قنات آبادی نفرمائید.

شهر قنات آبادی - نه هر که چهره بر افروخت دلیری دانست نه هر که آتش سازد سکندری دانست - نه هر که طره کله کچ نهاد و راست نشست (وزیر کشور تند نشست) کلاه داری و آئین سروری دانست (بهره، احسنت) ه از نکته بار بکتر زمو اینجاست - نه هر که سر نترشد قلندری دانست بقصد بنده در این مواقع و این موارد یا سایر مواردی که در پارلمان مطالب اجتماعی مورد بحث قرار میگیرد اصل خدمت به وطن و علاقه به بهبود وضع هم میماند اینجاب میکند که مطالب خیلی باز خیلی روشن خیلی صریح و بدون ابهام گفته شود البته این مطلب در تمام دنیا و بین همه حکومت های پارلمانی وجود دارد که با دولت ها عده ای بعضی موافقت و عده ای هم بحق مخالفتند آن کسی که با يك دولت ادعای مخالفت میکند میتواند موافقت او را متهم به عدم علاقه به مملکت و ملت بگردد و همچنین آن کسانی که با دولت ها موافقت میکنند مخالفین نمیتوانند با او اتهامات شخصی بزنند بقصد من تمام این صحنه ها و تمام این گفتگوها و تمام این مشاعر هادر حکومت های پارلمانی لازم و ضروری و واجب است (صحيح است) برای چه؟ برای اینکه از خلال این بحث ها يك مطالبی، يك نکته ها، يك ابهاماتی روشن بشود و تقصیرها بیان گردد و خادمین واقعی با اجتماع این ابهامات را رفع کنند و نقائص، گرفتار ها و بتلاشات را از بین ببرند (احسنت) بنابراین هیچ اشکالی هم ندارد که موافق دولت و کسی که بدولت رأی سفرداری موافق میدهد بیاید در پشت تریبون مطالبی را که بنظرش میرسد در شان دولتی که طرفدار او هست تذکر بدهد

از دولت بخواهد که آن معایب را رفع بکند (صحيح است) و البته اکثریت محترم مجلس هم بایستی اجازه دهند، حوصله داشته باشند، میدان بدهند آن کسانی که بنام مصالح مملکت و حفظ حقوق مردم از تریبون استفاده میکنند و انتقاد میکنند انتقادات اساسی و مستدل خودشان را انجام بدهند. بنده بنام مخالف با دولت جناب آقای ملاء از تریبون استفاده میکنم و اینهم خواست پروردگار بوده است که در آن دولت گذشته ۱۵ ماهه جناب ایشان بنده بنام مخالف صحبت کردم حالا باز هم خدا بامر داد یعنی خدا کشتی را آنگاه که داش میخواست برد و ناخدا چاه دریدنش تأثیری نکرد و من باز پشت این تریبون هستم و بنام مخالف با برنامه و اعمال گذشته دولت ایشان مطالبی عرض نمایم که محترم و ملت ایران میسرانم و این ادعا را میتوانم بکنم و خدا و وجدان خودم را هم گواه بگیرم و آقایان نمایندگان و خود اعضای محترم دولت را که در گفتارم همیشه سعی کرده ام که راه عرض نمایم چون فرضی ندارم ملکی ندارم ضیاعی ندارم مقامی ندارم مالیاتی بدهکار نیستم مال الاجاره ای نمیگیرم معامله ای نکرده ام نفع شخصی نه از نظر خود نه از نظر کسان و عزیزان و بستگانم ندارم بنابراین مفرضانه است اگر عرایض کسی که فقط و فقط بدون هیچ منفعت شخصی مطالبی را با کمال ادب و عنوان تذکر بیان میکند عرض فرض شود. جناب آقای ملاء يك مطلبی است که اساساً دولت جناب عالی و همه دولت ها باید کم و بیش آن توجه داشته باشند و آن این است که وقتی صحبت ملت و مردم بیان می آید باید دید که بنده چه جور کسی است چه شخصی است چون يك عده ای وقتی میگویند ملت وقت میگویند مردم وقت میگویند اینها در واقع مقصودشان آیرت مان است مقصودشان است مقصودشان صدق است مقصودشان مقام است ولی همه ما مردم از بالا و پایین شخص شاد تمام افراد مملکت این طبقه بخصوص را که میگویند ملت و مشروطه میشناسند من نمیخواهم بگویم که شما از آن عده هستید يك عده ای هم هستند وقتی که میگویند ملت وقتی میگویند اجتماع مقصودشان آن طبقه اکثریت قطعی و قاطع این مملکت است که زحمت میکشند رنج میبرند مملکتشان را دوست دارند برای حفظ حدود و ثغور و ثور و مرز مملکت آماده هستند فدای کاری می کنند در مقابل اجانب میایستند و قوت لایموتشان يك مقدار کمی است ما میخواهیم اینجا این مطلب را روشن کنیم که چه موقع میشود که این ملت ملت گفتن ها و مردم مردم گفتن ها حقیقتاً با واقع صدق بکنند یعنی چه موقع يك کسی واقعاً دلسوز بحال ملت است يك روز بیکی از آقایان زمامداران گذشته

برنامه ای به مجلس تقدیم میکنند خودی را آماده خدمتگزاری مینمایند وقتی که میگوید ملت و مصالح ملت و منافع ملت باید به بیند که این مصالح و منافع و مایحتاج ملت از نظر مردم و ملت چیست؟ زیرا مصالح منافع از نظر طبقه حاکمه همیشه معلومست. وزارت، سفارت، مدیریت کل، امارن استاز داری (نقده الاسلامی - وکالت) سناتوری، مسافرت با قسقی ناقار و اروپا برای مطالعه در امر خیار و مسافرت با قسقی ناقار امریکا برای مطالعه در امر چی چی عمومی این از نظر طبقه حاکمه همیشه روشن است که منفعت و مصلحت چیست؟ مشروطه چیست؟ آزادی چیست؟ از نظر ملت و مردم این مطلب حل شود که اگر دولت جناب آقای ملاء توجه بفرماند و روی این توجه هم عمل بکنند کوچک کوچک صحبت میکنم البته من بعد خواهم گفت که چه مطالبی مورد قبول من است وجه مطالبی را من باید تذکر بدهم برای اینکه مورد ابتلا به مردم است این آقایانی که در هر وقت و در هر زمان و در هر موقعی هر چه از مایحتاج زندگی و مواد غذایی میخواستند در اختیارشان بوده است و در تمام طول عمر يك روز نشده است که يك چیز بخواهند و سر سفره آنها نباشد این نمیتواند این مطلب را در ذهن خودشان مجسم کنند که چه حالی دارد آن خانواده ای که در تابستان و فوریه میوه نتوانند يك دانه خیار بخرد این فکر برای آنها مشکل است که چگونه ممکن است که آدم خیار نداشته باشد؟ و ممکن است که آدم نتواند خیار تهیه کند؟ ممکن است که تابستان باشد و آنهمه خیار در ریابانها و مزارع کاشته باشند و یول هم داشته باشد و نتواند خیار تهیه کند من میخواهم با اعضای محترم دولت بگویم که آقایان این وضع بوجود آمده در اثر روش غلطی که اتخاذ شد در اثر روشی که حتی مورد انتقاد منسوبین دستگاه شاپور در همین چند روز گذشته من خوب دیدم که یکی از مجلات خوب تهران گویا مجله روشنفکر بود که در روزی که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مجلس شورای ملی را افتتاح میفرمودند افتتاح دوره نوزدهم که مصادف با روز پنجشنبه بود روز پنجشنبه مجله روشنفکر منتشر می شود پشت جلد مجله روشنفکر من دیدم که يك خیار گراور کرده است وزیرش نوشته است که مسئله روز و عجب این است که تمام مردم حتی طبقه حاکمه هم قبول کردند که خیار آن روز مسئله روز بود حالا آن مسئله روز منتفی شده يك مسئله دیگر پیدا شده است (خنده نمایندگان) بنابراین بنده میخواهم این مطلب را عرض کنم که وقتی دولتی

۹۹ و نیم در صدمت تمام معنی حفظ باشد هیچ مقتدری ولو اینکه وزیر بود کبر و ستاورد استاندار و هر مقامی که میخواهد باشد این مقتدر نتواند چوب توی سر يك ضعیف فقط بانگاه قدرتش بزند (وزیر کشور - صحيح است) ما آقای میخواهیم حکومت قانون بلا شرط در سراسر این مملکت اجرا بشود و اینکه شهادت برنامه تقدیمی مجلس شورای ملی تقاضا کرده ایم و ادعا فرموده ایم که در آینده میخواهیم ایجاد عدالت بنمائیم و تر ضیع حال ملت را نصیب این خود قرار داد ایم فقط و فقط از نظر این حکومت قانون است یعنی اساس ضعیف شدی این مملکت کنار بزنند روز ما شنیدیم برای مبارزه با گران فروشی میخواهند اقدام کنند اولاً من خودم يك روزی بجانب آقای غم گفتم که مبارزه با گران فروشی بسیار کار خوبی است و باید يك عده ای پیدا شوند و بیایند دستگاه دولت کار بکنند اساس این گران فروشی را از بین ببرند هر کسی هم بسهم خودش هر کاری میتواند بکند اما من سؤال میکنم همانطوریکه در برنامه دولت گذشته جناب آقای ملاء تذکر دادم و عرض کرده شما مبارزه با فساد میخواهید از سوراخ و مستخرج من جزء خروج بکنید و این غلط است و نتیجه نمیرسد زیرا آن کسی که برای قوت لایموتش دزدی میکند گوشت مرده میخورد در منطق شرح و مذهب هم مجازات و مجتهد شده است يك مستخدمی که ماهی ۱۱۰ و ۱۲۰ تومان حقوق میگیرد اگر سه قران یا پنج قران یا يك تومان از يك مراجع بگیرد و او را راه بدهد توی اطاق در مناطق اخلاق و وجدان و شرع در کشوری که قیمت ها اینطور سرسام آور بالا میروند او گناهکار نیست او برای حفظ حیات و موجودیت خود و خانواده اش اینکار را کرده او را بیرون نکنید و نخواستار باشید بعنوان فاسد شلاق بزنید فاسد مساوی باشم و حق نداشته باشم توی سر فرد این نکته را شما بگویم بنده طرفدار تنبی و مجازات خائنین بمملکت بهز اردایل هستم يك دلیلش این است که آنها توی این مملکت بزرگ شده اند در ایران نان بدست آورد، مقام بدست آورده یول بدست آورده تحصیل کرده توی این آب و هوا پرورش کرده اند و این بسیار بیشرمی و خیانت است که کسی دنبال يك فکر باطل و يك مسلک باطل برود و در هر موردی هم چه دولت شما چه دولت های دیگر چنین دسته خائنین و جنایتکارانی را تنبیه کرده من تقهیرش کردم اما بدانید که این طبقه خائنین و دسته خائنین در مملکت حکم يك قطره رادارند در مقابل دریا و تمام ملت ایران با ستثنای این قطره علاقمند به این مملکت و بربرزم این مملکت و با ستقلال این مملکت هستند (صحيح است) بنابراین جناب آقای ملاء ما میخواهیم امنیت ملت یعنی این ملت نود و نونیم بلکه بیشتر از

هستم که شلاق بکسی بزنند نه اشتباه نشود بملاده من طرفدار این مسلک و رویه بیستم کنروتمند را گدا بکنند که او هم مثل گدا بشود من معتقدم که دولتها اقتدر باید عرضه و قدرت بخرج بدهند که فقرای مملکت هم ثروتمند بشوند من کمونیست نیستم اما میگویم شما که حالا بجرم گران فروشی و بجرم فساد میروید يك خیار فروش را چوب میزنید برای خاطر دل این مردم يك دفعه هم آنها را که متاعهای آمریکا گرفته ام (بگفتر از نمایندگان - اشاعه میروید) اشاعه اگر عدا قسمتی بکنند (دکتر بیضا - بچه عنوان؟) (وزیر کشور - برای مطالعه) برای مطالعه هر گوش و همه چیز ولی عراق و بیروت و سوریه و لبنان رفته ام هر جا که رفته ام از این کولاهها آنچه بوده با انواع و اقسام هر جا که رفته ام از این کولاهها برد بیسی کولا، کولا، کولا و این حرفها خریدیم و قیمت هایش را دیدیم، وقتی که موضوع گران فروشی در ایران مطرح شد مقایسه کردیم دیدیم که در تمام خاور میانه قیمت بیسی کولا، مقایسه با یول ایران دوریال و نیم است (بگفتر مشیر قاضی - اقبیش کلاه است) بعضی مصرف کننده در اینجا در قران بول میدهند اما در ایران آن دوریال و نیم را که در عین حال نصفش در آنجا ها هم کلاه است مردم ایران پنج بال میبرند از این دوریال و نیم دیگر هم اینجا کلاه میگذارند این يك گران فروشی است بنده جناب آقای علی او را معرفی میکنم این فروشنده بیسی کولا را بگیرد و برای نمونه در تا شلاقش بزنید زیاد تزئید که در دوش بیاید (مهندس سارانی - شیشه همامی شکند) خودش را بزنید همیشه هایش را (خنده شدید نمایندگان)

رئیس - خنده را هم ممکن است که یوا تفر بفرمائید که نظام مجلس هم بخورد

قنات آبادی - بنابراین عدالت چنین

ایجاب میکند که هیئت حاکمه ملت که حسن نیت دارند سراغ این قبیل گران فروشها بروند من در گذشته و امروز هر وقت اتفاق افتاد که با برنامه دولت مخالفت میکنم و کرده ام يك عده از دوستان و رفقای من تعریف از شرافت جناب آقای ملاء و آقایان وزراء کرده اند من با آقایان عرض میکنم که جناب آقای ملاء مدرس رفیق هست (صحيح است) و همه آقایان وزراء هم مردان شریفی هستند (صحيح است) اما صحبت شعص نیست صحبت مملکت است ما مطالب را مطالبی را میخواهیم بگویم اشاعه الله آقایانی گرفته اند این مطلب را توجه کرده اند چند تا خیار فروش و سبزی فروش و قصاب را شلاق زدند و ما هر چه گوش خوبانندیم که به بیستم يك صاحب تجارتخانه بزرگ را شلاق میزنند نه اینکه خیال کنید من طرفدار این

بگویم من در ظرف شش ماه ۵۰ کیلو متر راه میسازم دو مدرسه ابتدائی میسازم دو تا و نصفی در مانگا، درست میکنم چهار تا طبیب ب چهار منطقه اعزام میکنم هزار جریب زمین زراعتی را سم پاشی میکنم اینها يك چیز هائی است که اگر دولت بگوید و انجام بدهد ولو اینکه حکم باشد مورد قبول مردم است و مورد احترام مردم است و مورد تقویت قضاطیه نمایندگان مجلس است من بیرون از جلسه شسته بودم یکی از آقایان نام پندگان محترم يك مطلبی را فرمودند و فرمودند که من در جرایب خواندم که بعد از این جنگ گذشته در انگلستان بگفتر اسکلیسی بر اثر کرسنگی مرد بلافاصله دولت تحت استیضاح قرار گرفت که چرا این بگفتر از کرسنگی مرد آقایان وزراء، هیئت حاکمه مملکت، آقایان نمایندگان محترم بردارید روزنامه ها و جراید را، جزء اخبار روز بخوانید و ببینید که هر روز در سراسر این مملکت چند نفر از کرسنگی می میرند (دکتر عدل - حالانست) تا دلی آتش نگیرد حرف جانسوری نگوید - حال ما خواهی اگر در گفته نام جستجو کن. آقای دکتر عدل همین حالا اینطور است من حاضریم شهر ستاها برای خاطر تهران خراب شده است دست آقایان نمایندگان را بگویم و بیستم سال پیش بود مثل اینکه دور تر از سیر شود (صحيح است) بنده نظرم هست وقتی میخواستند نمایانم ده سال پیش بود بیست سال پیش بود مثل اینکه دور تر از عمر سیاسی من است وقتی که صحبت لوله کشی طهران بودومی گفتند که تهران را میخواهند لوله کشی کنند آمدند گفتند برای اینکه بامبول در آورند و برای اینکه مردم را کور بزنند و يك چند روزی دستگاه تبلیغاتی آنروز همینطور حرف بافت تحویل مردم بدهد معذرت میخواهم جناب آقای ذوالفقاری که میخواهم يك شوخی بکنم برای اینکه نگذارند ما بوس شوند گفتند میرویم کلنگ را از جنوب شهر می- زین آمدند ورقند و کلنگ زدند و تمام گذارتان نیفتاده است بنده شمارا میبرم و شما خودتان گواهی خواهید داد که مردم انشعاب ندارند صحبت انشعاب است نه لوله زیر زمینی صحبت انشعاب و استفاده از آب است هیچ جا مردم انشعاب نداده اند و جناب آقای علم وزیر محترم کشور استدها میکنم

این را یادداشت بفرمایند من حاضر از مجلس که آمدم برویم و این را بالعس و العیان بشما نشان بدهم چهل روز است آقایان محترم چهل روز است که بتاحیه قنات آباد آب نداده اند من در چند روز قبل خواهر خودم برحمت خدا رفته بود و میباید برویم که در حوض منزل آب باشد رفتیم عمه استخدام کردیم دو سطل دو سطل آب آوردیم ریختیم توی حوض و حوض را پر کردیم با وجود اینکه خانه من ، خانه پدری من مشترک آب شهرداری هستیم ، مشترک سازمان آب طهران هستیم ، واقعا رحمت میراب های شهرداری ، این سازمان آب طهران روی میر آب های شهرداری را سفید کرد من خودم مشترک سازمان آب طهران هستم و روز اولی که رفتم مشترک بشوم و بشما بگویم آقایان که آب را هم بقیمت خون پدرشان میفروشند روز اول گفتند که ۹ روز به ۹ روز آب میدهم بعد گفتند که ۱۱ روز به ۱۱ روز بعد کردند ۱۷ روز به ۱۷ روز حالا کرده اند ۲۱ روز به ۲۱ روز و بجان همه آقایان در بیست و یک روز هم بما آب نمی دهند با وجود اینکه آب را خیلی گران میفروشند و با وجود اینکه اسمش را گذاشته اند سازمان آب طهران همه اش سرگرم این هستند که کجا کتور بخرند که نان تویش داشته باشد نه آب برای مردم بصورتان عرض کنم که جناب آقای مشایخی یک یادداشتی بمن نوشته اند که تذکر بدهم سوء تفاهم نشود که مقصودم از بیان مطلب زمان تصدی شهرداری ایشان نبوده است من آنچه که بنظر من حق میآید و وجدانم گواه است میگویم ، من نظری ندارم که حرفی بزنم که یک دسته بیایک جمعیتی خوششان بیاید یا نیاید حق را باید گفت اگر چه مخالف دشمن آدم باشد گرچه بین من و ایشان دوستی وجود دارد شما اساسا خدمتگزار بوده اید گما اینکه در شهرری هم کرده اید منافات هم ندارد که شما خدمتگزار باشید دیگران نباشند دیگران هم هستند عرض موضوع صحبت ما این بود که دولت جناب آقای علاء در گذشته خدمت هائی برای مردم انجام دادند خودشان اظهار تأسف می کنند که کم بوده است این برنامه شان است عرض کردم موضوع خارجی معین شد موضوع داخلی هم عرض کردم آن چیزی که مورد توجه ماست ما بحتاج مردم است و آن چیز هائی که مردم میخواهند و با آن روزمره زندگی می کنند البته دولت جناب آقای علاء یک لایحه بسیار بسیار مفیدی که بقیه هم اگر در دنیا بخواهند یک مبارزه اساسی و اصولی بشود یکی از طرفش این است که در دوره گذشته شد ، یک لایحه بسیار خوبی بمجلس دادند و آن لایحه منع کشت خشکاش و مبارزه با تریاک بوده است و جلوگیری از این مطلب و شهادت خود جناب آقای علاء و امضای محترم دولت

من یکی از مدافعین سرسخت این لایحه بودم (صحیح است) چون بسیار لایحه خوبی بود و این نکته را حالا باید تذکر بدهم که آن قانون و آئین نامه کافی نیست مانباید همه تریاک های مملکت را بکشیم . دوست عزیز ما جناب آقای صادق بوشهری که در این دو تا ۲۴ ساعتی که خدمتشان بودیم خیلی بما خوش گذشت و شما هم اگر خواستید بپتوئه کنید چه بعنوان مخالف چه بعنوان موافق دعا کنید که آقای بوشهری هم باشند شما خیلی خوش خواهد گذشت ایشان فرمودند که یک ناوای وقتی ایران میفروشد جرمش باید متناسب باشد و یک محاسبه ای هم فرمودند که یک ناوای در سال سیصد هزار تومان استفاده می کنند باید سیصد هزار تومان ارزش گرفت گفتیم لزومی ندارد همان روز اول خفه اش کنیم که خودمان و مردم و ناوای همه راحت شوند قریب است که من بشما ارادت دارم راهش این نیست راه مبارزه با گرانفروشی این نیست که یک ناوای که نیم سیر کم می هد اینرا آنقدر جرم مداوم بکنند که خودش و عائله اش از هستی ساقط شوند و بدست بیکارها ملحق بشود مبارزه با گرانفروشی راه دارد همان است که دولت می گوید و هنوز نکرده و گمان هم نمیکنم در آینده بکنند و آن از یاد تواری است آقا (صحیح است) باید گندم و خیار و ماست و پنیر و گوشت و ذغال را زیاد کرد و اجازه داد آقایان محترم باید اجازه داد در معاملات و کسبها رضایت باشد اگر بنا باشد محدودیت باشد گرانفروشی مورد احتیاج بفرض در انحصار موزن یک یکی پادوای بخصوص باشد بالنتیجه رقابت ازین میبرد و بالنتیجه روز بروز سطح قیمت ما بالا می رود من که عالم علم اقتصاد نیستم اما از علمای علم اقتصاد این مطلب را شنیده ام که اگر بخواهند در یک کشوری مبارزه با تریاک قیمت ها بکنند یک پستی گولا آورده اند یک گولا گولای دیگر هم باورند بالنتیجه فردا میشود دوربال این زمان باب مثل گفتم گرچه میدانم باین حرف من اتخاذ سند میشود فردا یک کلای دیگر ساخته میشود و قیمتش هم همان دوربال است و این مونیول یک عده مخصوصی است جناب آقای علاء این صحیح نیست باید رقابت ایجاد شود خود بخود این موضوع حل میشود جناب آقای علاء ماهم هم وطنانمان را دوست داریم و معتقد هستیم هر کس بد می کند مرتکب بزه میشود تنبیه شود امام معتقد بر حرم و گذشت و عطف است هم هستیم من اتفاقا در این یادداشت هائی که کرده ام یک نکته ای را یادداشت کرده ام که تذکر بدهم و آن این بود که بنده معتقدم که هر چه فاسد است باید دور ریخت اگر اصلاح نمیشود باید دارش زد امام معتقدم هستم که باید یک مکتبی باز بشود آن کسانی که منحرف شدند علتش هر چه می خواهد باشد یا در اثر نارضایتی یا در اثر فشار زیاد یا در اثر فقر یا در اثر جاه طلبی اگر گول خورده اند و بگزاره کجی رفته اند

این ها خرده ، خرده در جاده صلاح و وطن دوستی و طرفداری از رژیم مملکت قدم بگذارند کمالینکه این رویه را شخص شخصیت اند حضرت همایونی اتخاذ کرده من می بینم که گذشت میکنند صحبت میکنند کم کم می کنند این کارها برای چیست؟ برای این است که اول آنها می کشد گمراه شده اند یواش یواش در راه بیایند و راه هم باز باشد برای آیندگان و کسی که یک قدم کج برداشت خیال نکند که او را نابودش می کنند بنابراین باید در عین اینکه یک خشونت مقدس روی هر قانون میشود باید یک رأفت و رحمت هم باشد که آن رأفت و رحمت هدایت کند گمراهها را مطلب دیگر که میخواهم عرض کنم این است که جرایم و جرایم مراتب تبخیر می کنند که وزرای محترم دولت برای رسیدگی باوضاع و احوال و زرادخانه منوطه خودشان بشهرستانها میروند من نمیخواهم از این مطلب انتقاد کن چون باین موضوع اگر خودش بمعنای واقعی خودش عمل شود یک کاری نیست اما من میخواهم سؤال کنم که آقایان وزراء که بشهرستانها میروند آیا با مردم شهرستانها تماس میگیرند یا با هیئت های آنها که بشهرستانها میروند با هیئت های آنها که بشهرستانها تماس می گیرند بنده میخواهم عرض کنم که این یک اسراف و تبذیر بی جهتی است و اثری هم بر آدمی مترتب نیست اما اگر واقعا میروند با مردم با آن کسانی که داد و در نظر کم کشیده کتک و توستری خورده اند گرفتارند با آن ها تماس میگیرند بسیار عمل قابل تقدیری است بشرط اینکه آزاری هم بر این مسافرت مترتب باشد اما راجع مسافرت آقایان وزراء بجارج مملکت اصلا من بکلی مخالف هستم (صحیح است) و معتقدم که یک تجمل بسیار ظالمانه ای است بر بودجه ضعیف و کسب دار مملکت ما . آقایان وزرای مملکت آقایان نمایان مملکت ما استدعا میکنم که بهمان مقداری که تجربه دارید و بمقداری که علم دارید همان مقدار را عمل کنید ایران کستان خواهد شد ما میخواهیم که شما یک تجربه و علم زیاد تر بگیریم همان مقدار که علم و تجربه دارید همین مقداری که ما شاعا اف ماشاء الله دارید کافی است ماهی می بینم که هر روز یک وزیر می رود در یکی از کنفرانس های خارج شرکت میکند خوب یک دفعه هم یک وکیل را بفرستید یا یک مطلب دیگری که بنده لازم است عرض کنم و انشاء الله به ارضام خاتمه میدهم و رفع تصدیع میکنم و امیدوارم آقایان وزراء عریاضی که کردم توجه بفرمایند و بسهم خودشان آن مقداریکه مبراست انجام خواهند داد جناب آقای بوشهری فرمودند که یک آمبولانس برای دزفول خواستم دو سال است نداده اند نباید هم بدهند مگر دزفون مال این مملکت است کی گفته بدهم برای چه بدهند ۱۲۰ تا ماشین میخرند برای اداره آمار عمومی توجه فرمودید بیایید من بمنامشان بدهم که کی

ها از این ماشینها استفاده میکنند شرم میکنم حیا میکنم بگویم چرا برای دزفول آمبولانس نخریدند آمار عمومی زنده باشد و ریوشانی که در ماشینهای آمار عمومی سوار میشوند تبعیض از این بالاتر نمیشود اما راجع سازمان برنامه شهادت آقایان نمایندگان محترم در دوره گذشته یک روز یک اختلاف پیدا کردیم با سازمان برنامه خیال نکنید اختلاف شخصی عرض کردم که بنده نهضیاعی دارم نه عقاری که چیزی از مقامی و کسی بخراهم ما یک چیزی حفر کردیم در شاهرود که امیدوارم که البته ناله جانسوز ما را بگذارند صاحبان آب اگر بگذارند چون آنها آب در اختیار و انحصار و مونیول یکمده ای است هر چه ایشان می خواهند قیمت میگذارند حالا کی ها هستند نمیگویم چون همه میدانند ما گفتیم که آن قنات ها و آن آب هائی که در شاهرود هست مال خودشان ما که نمیخواستیم مال کسی را قطع کنیم ما آمدم بدولت آقای علاء و بدولت آقای سیهبزد آمدی فشار آوردیم هی گفتیم و گفتیم که یک بودجه بدهید که یک قنات آنجا بزنند بلکه مردم هم آب داشته باشند (نقته الاسلامی برای ورامین حالا بفرمایید) برای ورامین هم میرسد اختلاف ما این بود که چرا بودجه برای حفر قنات داده نمیشود البته ما رفتیم و من این جایگزینی آقایان یادشان هست که علیه سازمان برنامه و آقای ابتهاج روی همین مطلب صحبت کردم و وقتی ایشان زبان بند را فهمیدند و فهمیدند که حساب خود من در کار نیست و من برای خود نمیخواهم سرعت این عمل را انجام دادند امروز از ایشان تشکر میکنم آن روز هم تشکر کردم و من میخواهم این مطلب را عرض کنم که آقایان بیایید باتمام قدرت و قوت مواظب باشیم که این ها که نوی برنامه ۷ ساله نوشته شده است انجام گردد قطعه قطعه ننسید این را چون من معتقدم که سعادت مملکت بسته باشد بصحیح این است و با دعوا و رفت و آمد درست نمیشود که این که دولت هائی میآیند و میروند کار درست نمیشود گرچه دولت جناب آقای علاء سعی دارند و امیدوارند که تا پایان برنامه ۷ ساله باشند مادامک می خواهد شما هفتاد سال دیگر حکومت بکنید یک قدم مفید بردارید هفتاد سال حکومت کنید بنابراین آن چیزی که کار را درست میکند بخصوص در آن مقاماتی که کارشان سازندگی است و باید ساختن بکنند بنابراین تئیت و ثبات اوضاع است . این است عریاضی که بنده بحضور آقایان عرض کردم (احسن)

۳- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - جلسه را ختم میکنم . جلسه آینده روز سه شنبه خواهد بود دستور اول انتخاب ناظر بانک و وقت بدهم بقیه مذاکره در برنامه دولت (مجلس بیست و پنج دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت